



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

یکصد و شصتمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه در جهت گسترش تعامل و تبادل فرهنگی با کشورهای همسایه به بررسی وضعیت داستان کوتاه در ترکیه اختصاص داشت. در این نشست خانم دکتر آیسو اردن استاد دانشگاه آنکارا به بررسی داستان کوتاه در کشور ترکیه پرداختند. آنچه در ذیل می آید مختصری از مسائل طرح شده در این نشست است.

در ابتدای این نشست دکتر حسین پاینده که پیش از این همراه گروهی از صاحب نظران در جهت گسترش روابط فرهنگی با کشور ترکیه، به آنجا سفری داشتند به جمع بندی دستاوردهای سفر خویش پرداخت و

در این باره تصریح کرد: چند وقت پیش سمیناری درباره ادبیات فارسی در ترکیه برگزار شد که نکات حاصل از آن، نکات برجسته ای بود. از جمله این که به نظر می رسد استادان ادبیات فارسی در ترکیه شناخت بسیار خوبی از ادبیات کلاسیک ما از جمله کسانی چون خیام، فردوسی و مولانا دارند و دامنه اطلاعات گسترده و تحقیقات شخصیشان چشمگیر است. در زمینه شعر معاصر تنها با فروغ فرخزاد آشنا بودند و حتی نیما را نمی شناختند و در ادبیات داستانی هم چند نفری از بزرگ علوی نام بردند اما عمدتاً هدایت را می شناختند و غیر از او هیچ نویسنده جدی و مطرحی را در ادبیات داستانی نمی شناختند. بنابراین آنچه امروز برای گسترش



فرهنگ و ادب فارسی در ترکیه نیاز است، بیشتر معطوف به حوزه ادبیات معاصر است. ادبیات جریانی زنده و پویا است و این چندان صحیح نیست که فرض کنیم از انقلاب مشروطه به این سو، ما دیگر ادبیات نداشتیم و یا اینکه بعد از قرن هشتم دیگر هیچ شاعر برجسته‌ای نداشتیم چرا که این نوع دیدگاه به ضرر فرهنگ و ادبیات ماست. به نظر می‌رسد که امروزه محققان جوان موظف هستند که نویسندگان بزرگ ما را به کسانی که شناخت دقیقی از آنها ندارند، معرفی کنند. نکته درخور توجه دیگر این بود که استادان سابقه‌دار و پیشکسوت ترکیه اذعان داشتند که برخی قالب‌ها و صناعات ادبی نه از راه زبان عربی بلکه از زبان فارسی به ادبیات

ترکیه وارد شده است. پس از آن دکتر پاینده به شرح مختصری در باب فعالیت‌های فرهنگی خام دکتر اردن پرداخت و تصریح کرد: رساله دکتری دکتر اردن راجع به لهجه آذری بوده است. دکتر اردن در خصوص ادبیات داستانی و داستان کوتاه چندین کتاب و مقاله در ترکیه منتشر کرده‌اند همچنین به همراه همکارشان وب سایتی را راه‌اندازی کرده‌اند که به زبان ترکی، آلمانی و انگلیسی است و هدف آن معرفی ژانر داستان کوتاه و ترویج آن است. پس از آن دکتر آیسو اردن درباره داستان کوتاه در ترکیه خاطر نشان

کرد: ویژگی داستان این است که با به کار بردن کلمات محدود، موضوعات بزرگی را بیان می‌کند. هنگامی که به آثار نویسندگان جوان ترکیه نگاه کنیم، تاثیر بنیانگذاران ترکیه را در آنها مشاهده می‌کنیم اما نویسندگان جوان می‌خواهند زبانی مخصوص به خود بیافرینند. مقصود من از نویسنده جوان سن آنها نیست چرا که سن این داستان‌نویسان از ۲۸ تا ۵۰ متغیر است اما من از حیث آثار، اینها را جوان می‌دانم. آنها درصد خلق آثار اصلی هستند و می‌خواهند خود بر خوانندگان تاثیر بگذارند. اینچه آرال که یکی از مهمترین داستان‌نویسان سالهای ۹۰ ترکیه است درباره نویسندگان جوان معتقد است که این داستان‌نویسان درباره انسان‌های شهری می‌نویسند. انسان‌هایی که هنوز خود را کشف نکرده‌اند و در دنیای درون بحران‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. این نویسندگان درباره این دنیای درونی و کشمکش‌های شهری می‌نویسند و در کار خود قالب‌شکنی می‌کنند و همه انواع داستانی را به هم می‌آمیزند تا نوع جدیدی بیافرینند.

وی ضمن تقسیم داستان به دو طبقه داستان مدرن و داستان سنتی در این باره گفت: داستان سنتی قالب‌های مخصوص به خود دارد و بخش‌های کلیشه‌ای چون مقدمه و نتیجه. داستان مدرن، داستان لحظه‌هاست. در این نوع داستان، بخش‌های از پیش ساخته، وجود ندارد. شاخصه‌های داستان عبارت‌اند از نقش فکری زبان داستان، کارکرد اطلاعات داستان کوتاه، ارتباط ادبی، ابعاد اجتماعی داستان و مسئله استعاره در آن. داستان در حقیقت نوعی روایست که انسان می‌سازد و شکل تفکر انسان در زندگی روزمره نیز اساسا داستانی است. انسان در زندگی با مسائلی روبه‌رو می‌شود که گاهی به تعریف آنها می‌پردازد و در حقیقت نوعی داستان از آن می‌سازد. هنگامی که داستان‌نویس رویدادها را نقل می‌کند، رویاهای خود را نیز وارد این رویدادها می‌کند و به داستان جنبه هنری می‌بخشد.

وی درباره ارتباط نویسنده با خواننده تصریح کرد: داستان زمینه‌ای است که نویسنده و خواننده در آنجا با هم ملاقات می‌کنند. داستان کوتاه هنر مهمی است که با الفاظ کوتاه ابعاد وسیعی را بیان می‌کند. وظیفه خواننده پس از خواندن داستان آغاز می‌شود، یعنی زمانی که خواننده به ارزیابی داستان و نتیجه‌گیری از آن می‌پردازد. در اینجا است که او متن ثانوی ایجاد می‌کند و خواننده به عنوان خلاق دوم در داستان مدرن مطرح می‌شود. خواننده در داستان با عکس‌العمل‌های احساسی و برداشت‌ها و تفسیرهای خود مشارکت می‌کند.

دکتر آیسو اردن در توضیح ویژگی‌های داستان کوتاه یادآور شد: ویژگی‌های داستان کوتاه عبارت‌اند از: کوتاهی، تاثیر هنری، زبان

ساختگی (یعنی زبانی متفاوت از زبان عادی). داستان کوتاه با چهار چوب واقعا محدود، معناهای وسیعی را القا می‌کند. داستان باید کوتاه و فشرده باشد و در ساختش نوعی وحدت به چشم بخورد. از این لحاظ داستان‌نویس، کلمات را در چند معنا به کار می‌برد و از این راه قصد دارد تاثیری هنری ایجاد کند و برای افزایش این تاثیر تعمدا ابعاد محتوایی داستان را کوچک‌تر می‌کند. زبان داستان با زبان عادی متفاوت است. در زبان عادی، جملات متعارف را از حیث ضوابط دستوری به کار می‌بریم، اما در داستان، داستان‌نویس از این قیود رها می‌شود.

وی درباره اوج داستان‌نویسی ترکیه گفت: سال‌های ۲۰۰۰ اوج داستان‌نویسی ترکیه است چرا که قالب‌های سنتی داستان شکسته شده و راه جدیدی در نگارش داستان ایجاد شده است. داستان‌نویسان از ضوابط سنتی و بخش‌های سنتی آن فاصله گرفتند و در داستان‌نویسی، زیبایی‌شناسی اهمیت یافته است. به قول صاحب نظری داستان‌نویسان جدید بسیار کم حرف هستند و آنها بیشتر مونولوگ می‌سازند تا دیالوگ و دیالوگ‌ها از میان برداشته می‌شوند و داستان از زبان یک نفر که غالبا نویسنده است، تعریف می‌شود و این یکی از نواقص داستان‌نویسی ترکیه محسوب می‌شود. اگرچه این مسئله انتقاد محسوب می‌شود اما در حقیقت این نوعی انتخاب است چرا که نویسندگان خود این نوع نوشتن را برگزیده‌اند. اما نویسندگان جوان از هم تقلید می‌کنند و این امر باعث شده که همه به یک زمینه روی آورند و این امر نتیجه خوبی به بار نخواهد آورد. از این بحث داستان‌ها به دو بخش داستان‌های ایستا و داستان‌های پویا تقسیم می‌شوند. داستان‌های ایستا از مونولوگ‌ها تشکیل می‌شوند و داستان‌های پویا از دیالوگ. داستان‌های ایستا چون از مونولوگ ایجاد می‌شوند، داستان لحظه‌ها به حساب می‌آیند و مختص یک نفر هستند که لحظه‌ها را بیان می‌کنند. وی در ادامه افزود: منتقدان در ترکیه غالبا با اشکالی مواجه هستند و دچار اشتباه می‌شوند. اگر در داستانی که می‌خوانند قهرمان داستان جنسیتی همسان با نویسنده داشته باشد، در این صورت منتقد قهرمان داستان را با نویسنده یکسان تلقی می‌کند و برداشت‌های نادرستی ارائه می‌کند و گمان می‌کند که نویسنده به بیان سرگذشت خود پرداخته است و این برداشت نادرستی است که گاه خواننده را نیز به اشتباه می‌افکند. حتی این امر سبب شده که گاه نویسندگان خانم ترکیه که متاهل بودند برای جلوگیری از هر گونه شبهه‌ای از نگارش داستان عاشقانه بپرهیزند و تنها به نوشتن داستان‌هایی بپردازند که در آنها از همسر و فرزندان خود نشانی باشد.

دکتر اردن ضمن اشاره به قالب‌شکنی نویسندگان جوان در این باره

تصریح کرد: نویسندگان جوان گاه برای قالب‌شکنی داستان‌هایی می‌نویسند که از نامه‌ها تشکیل شده‌اند یا داستان‌هایی که از اخبار روزنامه‌ها شکل گرفته‌اند. گاه نیز بر مسائل بصری تأکید می‌کنند و داستان خود را به گونه‌ای چاپ می‌کنند که خواننده از آن متأثر شود از جمله چاپ آنها با حروف سیاه یا مورب (ایتالیک). در داستان‌نویسی سال‌های اخیر دیالوگ‌ها هیچ دیده نمی‌شود و بیشتر داستان‌های خیالی به چشم می‌خورد. دیگر داستان‌هایی با زبان شعرگونه است که نویسندگان جوان گاه از این زبان برای نگارش داستان‌های خود استفاده

زن کلیشه‌ای خوب یا بد در داستان‌هایشان می‌پردازند. اما حال باید دید که جایگاه زن در آثار نویسندگان خانم در کجا قرار دارد. اینچه آرال یکی از مهم‌ترین نویسندگان زن ترکیه است که به موضوع زن با جسارت نگاه می‌کند و ارزیابی‌های درستی از زن را در آثار خود ارائه می‌دهد.

وی در باب ممیزه‌های ترویج نوع خاصی از داستان در برخی کشورها گفت: بعضی از انواع داستان در بعضی کشورها رواج نمی‌یابد و ویژگی‌های خاص آن کشور، به آن نوع داستان مجال بروز و پرورش نمی‌دهد. از جمله داستان‌های پلیسی، ماجراجویانه، سیاحتی و داستان‌هایی که به بحران‌های جوانان می‌پردازند، در ترکیه بروز نیافته‌اند.

پس از آن دکتر پاینده ضمن اشاره به نقاط مشترک ادبیات دو کشور ایران و ترکیه در باب مباحث طرح شده در نشست اظهار داشت: داستان‌هایی که امروز در ترکیه نوشته می‌شود هم به سبک و سیاق سنتی و ادامه‌دهنده راه نویسندگان اولیه ترکیه در دوران مدرن است و هم به سبک و سیاق قالب‌شکنانه. برخی از این قالب‌شکنی‌ها در ایران نیز متداول است اما برخی در ایران رواجی ندارند از جمله استفاده از اخبار روزنامه در داستان به صورت جریانی جدی در ادبیات داستانی ما هرگز وجود نداشته است. اما زبان شعرگونه در ادبیات ما مسبوق به سابقه است. بسیاری از آثار هدایت در جاهایی که از صناعات ادبی استفاده می‌شود و آهنگین هستند به نوعی نثر شعرگونه مبدل می‌شوند. داستان کمینه‌گرا و مینی‌مالیستی هم در کشور ما چندان رواج جدی‌ای نداشته است. اما تاریخ بدیل یکی از مشخصه‌های پست‌مدرنیستی است که نویسنده تاریخ گذشته خود را داستانی می‌کند و به عبارتی خواننده را در این موضع قرار می‌دهد که مقوله تاریخ را نه به عنوان مجموعه‌ای از حقایق انکارناپذیر و یکسان برای همه، بلکه در مقام داستان به خواننده معرفی کند و به این ترتیب به خود اجازه می‌دهد که عناصری از تاریخ را بگیرد و در آن عناصر دستکاری هم بکند. داستان‌نویس از این راه توجه ما را به این موضوع جلب می‌کند که هر کتاب تاریخ در واقع یک برساخته و نوعی روایت است که کسی از رویدادهای گذشته بیان کرده است.

دکتر اردن در باب اینکه آیا تبدیل خط ترکیه به لاتین سبب انقطاع نسل جدید از فرهنگ گذشته خود شده است، تصریح کرد: نویسندگان سال‌های اخیر از آثار گذشته خود استفاده می‌کنند چرا که بیشتر آثار گذشته به خط لاتین برگردانده شده است و فقط آثار تاریخی و اشعار هستند که گاه به لاتین ترجمه نشده‌اند. به هر ترتیب نویسنده موظف است تاریخ گذشته خود را به خوبی بداند و از آن برای نگارش آثار استفاده کند.



می‌کنند. در سال‌های اخیر نیز جریانی از آمریکا وارد ادبیات ترکیه شده و آن داستان‌های مینی‌مالیستی است. اما چون نگارش آن بسیار دشوار است در ترکیه رواج چندانی نیافته است. داستان‌های پلیسی یا تخیلی جایگاه مناسبی در ترکیه ندارد. مسئله دیگر وجود داستان‌های اجتماعی سیاسی هستند که از طریق آنها می‌توان با تاریخ آن کشورها آشنا شد.

وی در باب جایگاه زن در ادبیات ترکیه اظهار داشت: در ادبیات غرب غالباً به داستان‌نویسان مرد این ایراد را وارد می‌کنند که آنها تنها به بیان